

فهرست اجمالی

| | |
|----------|--|
| ۱..... | سخن ناشر |
| ۵..... | مقدمه |
| ۱۱..... | فصل اول: تفسیر قرآن کریم در عصر جدید |
| ۳۵..... | فصل دوم: قرآن کریم شناسی شهید مطهری |
| ۴۷..... | فصل سوم: ویژگی‌های روش تفسیری شهید مطهری |
| ۶۵..... | فصل چهارم: مباحث محوری در اندیشه قرآنی شهید مطهری |
| ۱۱۱..... | فصل پنجم: تفسیر موضوعی در آثار شهید مطهری (بررسی موردی: حجاب در قرآن کریم) |
| ۱۳۳..... | منابع و مأخذ |
| ۱۳۹..... | نمایه |

فهرست تفصیلی

| | |
|--|-----------|
| سخن ناشر | ۱ |
| مقدمه | ۵ |
| پی‌نوشتها | ۹ |
| فصل اول: تفسیر قرآن کریم در عصر جدید | ۱۱ |
| ۱-۱. روش‌های تفسیری | ۱۳ |
| ۱-۱-۱. تفسیر اجتماعی | ۱۴ |
| ۱-۱-۲. تفسیر ارشادی، تربیتی | ۱۵ |
| ۱-۱-۳. رویکرد اجتماعی-تربیتی در تفسیر شهید مطهری | ۱۶ |
| ۱-۲. تفسیر قرآن کریم در دوره معاصر | ۱۶ |
| ۱-۲-۱. ویژگی‌های تفسیر در این دوره | ۱۷ |
| الف. پرداختن به مباحث اجتماعی و سیاسی | ۱۷ |
| ب. توجه ویژه به برخی مباحث قرآنی | ۱۷ |
| ج. تطبیق نظریات علمی با آیات قرآن کریم | ۱۸ |
| د. گرایش به جنبه ادبی قرآن کریم | ۱۸ |
| هـ. گسترش تفسیر موضوعی | ۱۸ |
| و. نگرش اجتماعی در مسائل اخلاقی | ۱۸ |
| ز. حرکت آفرینی در جامعه | ۱۹ |
| ح. محوریت برخی آیات در تفسیر | ۱۹ |

د □ مفسر مصلح؛ نگاهی به روش تفسیری شهید مطهری

| | |
|----|--|
| ۲۰ | ۱-۲-۲. اهداف تفسیر در این دوره..... |
| ۲۰ | الف. ایجاد وحدت |
| ۲۱ | ب. خرافه‌زدایی |
| ۲۱ | ج. هماهنگ ساختن آموزه‌های اسلام با یافته‌های جدید علمی |
| ۲۲ | ۱-۳. بازگشت به قرآن کریم در ایران |
| ۲۲ | ۱-۳-۱. آغاز حرکت |
| ۲۳ | ۲-۳-۲. نقطه اشتراک |
| ۲۴ | ۳-۳-۳. دوره نسل شهیدمطهری |
| ۲۶ | ۱-۳-۴. تأثیرپذیری شهیدمطهری از علامه طباطبائی |
| ۲۶ | الف. جایگاه علامه و المیزان نزد شهیدمطهری |
| ۲۷ | ب. المیزان، پاسخی به نیازهای زمانه |
| ۲۹ | ج. اجتماع‌گرایی مطهری، فراتر از المیزان |
| ۳۰ | د. روش تفسیری المیزان |
| ۳۱ | پی‌نوشت‌ها |
| ۳۵ | فصل دوم: قرآن کریم شناسی شهیدمطهری..... |
| ۳۶ | ۲-۱. انواع شناخت قرآن کریم |
| ۳۶ | ۲-۱-۱. شناخت سندی قرآن کریم |
| ۳۷ | ۲-۱-۲. شناخت تحلیلی و محتوایی قرآن کریم |
| ۳۷ | ۲-۱-۳. شناخت ریشه‌ای قرآن کریم |
| ۳۸ | ۲-۲. وحی |
| ۴۰ | ۲-۳. اعجاز قرآن کریم |
| ۴۰ | ۲-۳-۱. وجوه اعجاز قرآن کریم |
| ۴۲ | ۲-۴. شرایط آشنایی با قرآن کریم |
| ۴۲ | ۲-۴-۱. آشنایی با زبان عربی |
| ۴۳ | ۲-۴-۲. آشنایی با تاریخ اسلام |
| ۴۴ | ۲-۴-۳. آشنایی با روایات اسلامی |
| ۴۷ | فصل سوم: ویژگی‌های روش تفسیری شهیدمطهری |
| ۴۸ | ۳-۱. توجه به شیوه تفسیر «قرآن کریم به قرآن کریم» متأثر از علامه طباطبائی |
| ۴۹ | ۳-۱-۱. نمونه اول |

فهرست تفصیلی □ ه

| | | |
|---|---|----|
| ۳-۱-۲ | نمونه دوم | ۵۰ |
| ۳-۲ | استفاده از روایات | ۵۱ |
| ۳-۲-۱ | نمونه اول | ۵۲ |
| ۳-۲-۲ | نمونه دوم | ۵۳ |
| ۳-۳ | عقل‌گرایی | ۵۳ |
| ۳-۴ | توجه ویژه به تفسیر موضوعی | ۵۵ |
| ۳-۵ | توجه به آهنگ سوره | ۵۶ |
| ۳-۶ | توجه به اسباب نزول و تطبیق بر وقایع زمان حاضر | ۵۷ |
| ۳-۶-۱ | نمونه | ۵۷ |
| ۳-۷ | پرهیز از تفسیر به رأی | ۵۸ |
| ۳-۸ | دقت در معنای واژه‌ها | ۵۸ |
| ۳-۸-۱ | نمونه | ۵۸ |
| ۳-۹ | بهره فراوان از داستان | ۵۹ |
| ۳-۹-۱ | نمونه | ۵۹ |
| ۳-۱۰ | استفاده از شعر | ۶۰ |
| ۳-۱۰-۱ | نمونه | ۶۰ |
| ۳-۱۱ | بررسی تاریخچه موضوع | ۶۱ |
| ۳-۱۱-۱ | نمونه | ۶۱ |
| ۳-۱۲ | مثال‌زدن | ۶۱ |
| ۳-۱۲-۱ | نمونه اول | ۶۱ |
| ۳-۱۲-۲ | نمونه دوم | ۶۲ |
| ۳-۱۳ | پاسخ به شبهات مستشرقان | ۶۲ |
| ۳-۱۳-۱ | نمونه | ۶۲ |
| ۳-۱۳-۱ | پی‌نوشتها | ۶۳ |
| فصل چهارم: مباحث محوری در اندیشه قرآنی شهیدمطهری | | |
| ۴-۱ | جامعه در اندیشه قرآنی شهیدمطهری | ۶۵ |
| ۴-۱-۱ | مدنی بالطبع بودن انسان در قرآن کریم | ۶۶ |
| ۴-۱-۲ | طبقه‌بندی اجتماعی در قرآن کریم | ۶۸ |
| ۴-۱-۳ | عوامل تعالی و انحطاط جوامع در قرآن کریم | ۷۰ |
| ۴-۱-۴ | رهبری و مدیریت جامعه | ۷۳ |

و □ مفسر مصلح؛ نگاهی به روش تفسیری شهید مطهری

| | |
|----------|---|
| ۷۴..... | ۴-۱-۵. عدالت اجتماعی..... |
| ۷۴..... | الف. عدالت اجتماعی، هدف بعثت انبیا..... |
| ۷۶..... | ۴-۱-۶. رهبری نسل جوان..... |
| ۷۸..... | الف. رجوع به قرآن کریم یا تنها راه نجات..... |
| ۷۸..... | ۴-۱-۷. دفاع از حریم قرآن کریم در جامعه..... |
| ۷۹..... | الف. برخورد با تبلیغات سوء..... |
| ۸۰..... | ب. مقابله با خط انحراف..... |
| ۸۳..... | ۴-۲. انسان از نگاه قرآنی شهیدمطهری..... |
| ۸۴..... | ۴-۲-۱. فطرت..... |
| ۸۴..... | الف. فطرت در قرآن کریم..... |
| ۸۷..... | ب. فطرت و اصالت فرد و جامعه..... |
| ۸۸..... | ۴-۲-۲. انسان و ایمان..... |
| ۹۰..... | الف. آثار و فواید ایمان..... |
| ۹۲..... | ۴-۲-۳. کرامت انسانی..... |
| ۹۴..... | ۴-۳. تربیت و اخلاق در اندیشه قرآنی شهیدمطهری..... |
| ۹۵..... | ۴-۳-۱. جهان، جهان پرورش..... |
| ۹۶..... | ۴-۳-۲. عمل، تکیه‌گاه تربیت اسلامی..... |
| ۹۷..... | ۴-۳-۳. نفاق در قرآن کریم..... |
| ۹۸..... | الف. تفاوت منافق با کافر و مشرک..... |
| ۹۹..... | ب. نفاق از مختصات بشر..... |
| ۱۰۰..... | ج. آیات نفاق..... |
| ۱۰۴..... | ۴-۳-۴. انفاق..... |
| ۱۰۵..... | ۴-۳-۵. مسأله روان ناخودآگاه..... |
| ۱۰۶..... | پی‌نوشت‌ها..... |

فصل پنجم: تفسیر موضوعی در آثار شهیدمطهری (بررسی موردی: حجاب

| | |
|----------|--|
| ۱۱۱..... | در قرآن کریم)..... |
| ۱۱۱..... | ۵-۱. کلیات تفسیر موضوعی..... |
| ۱۱۲..... | ۵-۱-۱. تعریف تفسیر موضوعی..... |
| ۱۱۳..... | ۵-۱-۲. «تلاش شهیدمطهری در این عرصه»..... |

فهرست تفصیلی □ ز

| | |
|-----------------|--|
| ۱۱۴..... | ۵۲. حجاب و پوشش در قرآن کریم |
| ۱۱۵..... | ۵۲-۱. «آیات پوشش (حجاب)» |
| ۱۱۶..... | الف. آیات اصلی سوره «نور» درباره حجاب |
| ۱۲۴..... | ب. آیات دیگر سوره مبارکه نور درباره حجاب(پوشش) |
| ۱۳۱..... | پی‌نوشت‌ها |
| ۱۳۳..... | منابع و مأخذ |
| ۱۳۳..... | الف. کتاب‌ها |
| ۱۳۷..... | ب. مقالات |
| ۱۳۹..... | نمایه |

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ

(قرآن کریم، سوره مبارکه النمل، آیه شریفه ۱۵)

سخن ناشر

جایگاه محوری قرآن کریم در منظومه فکری اسلام و ویژگی‌های منحصر بفرد آن، منجر شده تا خداوند متعال نسبت به تدبیر در این کتاب الهی و بهره‌مندی از اصول و آموزه‌های آن به مثابه راهنمایی جاودانی، به کرات توصیه نموده باشد. در واقع قرآن کریم در کلام الهی به اوصافی شناسانده شده که حکایت از حیات و تأثیرگذاری مستمر آن در ورای تمامی زمان‌ها و مکان‌ها دارد؛ اوصافی چون «هدایت‌گری و بشارت‌دهندگی» (إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ - بخشی از سوره مبارکه الاسراء، آیه شریفه ۹)، «صدر حکمت» (وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ - سوره مبارکه یس، آیه شریفه ۲)، «دارای کرامت» (إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ - سوره مبارکه الواقعة، آیه شریفه ۷۷) و مواردی از این قبیل که در مجموع دلالت بر ضرورت مراجعه مستمر به این کتاب الهی و بهره‌مندی از آن برای فهم معنای زندگی، فلسفه حیات و نحوه اداره امور دارد. به همین خاطر است که خداوند متعال «قرآن کریم» را از این حیث جامع معرفی نموده و تصریح دارد که «وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا» (قرآن کریم، سوره مبارکه الکهف، آیه شریفه ۵۴). این

خطاب عمومی به انسان دلالت بر آن دارد که «قرآن کریم» برای تمامی صاحبان عقول سلیم می‌تواند راهنما باشد و قرآن از این منظر «هادی» و «روشن‌گر» است. این معنا آن زمان آشکارتر می‌گردد که بدانیم خداوند متعال سلامت معنا و صیانت متن از هر گونه انحرافی را در طول زمان منتفی ساخته و در تمامی اعصار متنی معتبر و مستندرا در اختیار انسان قرار می‌دهد که می‌تواند بدان اتکاء نماید؛ چنان که فرموده است: *إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ* (قرآن کریم، سوره مبارکه الحجر آیه شریفه ۹).

با این مبنا و با عنایت به سفارش‌های بیان شده از سوی رسول خدا ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام در خصوص ضرورت تمسک به قرآن کریم و اهل بیت علیهم‌السلام؛ ضرورت مطالعات قرآنی با استفاده از روش‌های میان‌رشته‌ای متناسب با نیازها و مسائل هر دوره‌ای، آشکار می‌گردد. دانشگاه امام صادق علیه‌السلام به‌عنوان نهادی که بر بنیادی خیر و نیکو و مطابق با آموزه‌های دینی تأسیس شده و چنان تعریف شده تا بر این اصل استوار بوده و بدین ترتیب از کژی و انحراف دور باشد (أَفَمَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَى تَقْوَىٰ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٍ أَمْ مَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَىٰ شَفَا جُرُفٍ هَارٍ - قرآن کریم، سوره مبارکه التوبه، بخشی از آیه شریفه ۱۰۹)، از حیث محتوایی، فلسفی و ساختاری در ارتباطی تنگاتنگ با قرآن کریم قرار دارد و توسعه مطالعات قرآنی و تلاش برای حاکمیت فرهنگ قرآنی (در پرورش نیروی انسانی، تربیت مدیران، تولید نظریه علمی و ...) تنها اولویت محوری دانشگاه به‌شمار می‌آید که تمامی سیاست‌ها در ذیل آن معنا می‌دهد. این رویکرد با هدف خروج قرآن کریم از مهجوریتی تعریف شده که رسول خدا ﷺ پیوسته نگران آن بوده و امت را نسبت به این پدیده خطرناک تحذیر می‌دانند؛ باشد که با قرآن از در افتادن به گمراهی و کفر بازداشته شوند؛ «وَقَالَ

سخن ناشر □ ۳

الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا» (قرآن کریم، سوره مبارکه الفرقان، آیه شریفه ۳۰).

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام با هدف همراهی با این آرمان بلند و با انگیزه بهره‌مندی از هدایت‌های قرآنی در گستره جامعه علمی، طرح کلان «توسعه مطالعات قرآنی» را از سال ۱۳۸۷ هم‌زمان با هفته پژوهش آغاز و مطالعات متعددی را با رویکرد تخصصی و میان‌رشته‌ای تعریف و به اجرا گذارده است. اثر حاضر از جمله محصولات این طرح با برکت است که پس از طی مراحل پژوهشی جهت بهره‌مندی جامعه علمی عرضه می‌گردد. ناشر ضمن تشکر از تمامی افرادی که در نهایی شدن این طرح همکاری نموده‌اند؛ به‌ویژه پدیدآورنده محترم، امید دارد که به این وسیله در توسعه آموزه‌های قرآنی با بهره‌مندی از راهنمایی‌های ارایه شده از معصومین علیهم السلام در سطح جامعه علمی توفیقی کسب نماید. در این صورت رحمت قرآنی مشمول حال محقق، ناشر و خوانندگان خواهد بود که جمع کثیری از اساتید، دانشجویان و علاقه‌مندان به مطالعات قرآنی را شامل می‌شود و این وعده حق الهی است؛ آنجا که می‌فرماید: «وَنُزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ» (قرآن کریم، سوره مبارکه الاسراء، بخشی از آیه شریفه ۸۲). در این راستا همچون قبل ناشر آمادگی خود را جهت دریافت آثار پژوهشی محققان و نشر آنها اعلام می‌دارد.

ولله الحمد

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام

مقدمه

در جهان اسلام و در عصر حاضر، چه در میان اهل تسنن و چه در میان شیعه، مصلحان زیادی ظهور و بروز کرده‌اند که معمولاً از سیدجمال‌الدین اسدآبادی به عنوان سرسلسله آن‌ها یاد می‌شود و بزرگ‌ترین و موفق‌ترین آن‌ها نیز کسی جز امام خمینی (رحمة الله علیه) نمی‌باشد.

برخی از این مصلحان دچار تجددگرایی‌های افراطی و علوم‌زدگی شدند و برخی نیز گرایش شدید به وهابیت پیدا کردند. در این میان مصلحانی که پایه‌های فکری قوی‌تری داشته‌اند و اسلام را به عنوان یک نظام فکری هماهنگ و به صورت یک مکتب تلقی کرده و یک سلسله مبانی و اصول ثابت داشته‌اند توانسته‌اند از انحراف مصون بمانند که بی‌شک یکی از این مصلحان، استاد شهید مرتضی مطهری است.

شهید مطهری را باید از مصادیق برجسته مفاخر علمی و مذهبی جهان اسلام در قرن اخیر دانست. استفاده از محضر بزرگان حوزه در علوم مختلف، حضور در

۶ □ مفسر مصلح؛ نگاهی به روش تفسیری شهید مطهری

دانشگاه و عرصه‌های سیاسی-اجتماعی، ارائه مقالات و تألیف کتب در موضوعات گوناگون دینی و اجتماعی و... از ایشان یک اندیشمند توانا و یک مصلح بزرگ در اذهان به یادگار گذاشته است. او به دنبال ارائه تصویری شفاف، زیبا، عقلانی و کاربردی از اسلام بود، لذا آنچه می‌گفت و می‌نوشت همواره درخور نیاز زمانه‌اش و به‌خاطر عشقی بود که به اسلام عزیز داشت. حرکت و نوع فعالیت شهیدمطهری را باید به‌عنوان یک مصلح اجتماعی در ادامه نهضت بیدارسازی امت اسلامی در یک و نیم قرن اخیر دانست و شعار «بازگشت به قرآن کریم» که در این نهضت بر سر زبان‌ها افتاد، در افکار و رفتار و گفتار و آثار ایشان نیز عینیت کامل یافته است. تأکید و تکیه ایشان به منابع اصیل اسلامی (خصوصاً قرآن کریم) باعث شد تا در مباحث گوناگونی که مطرح می‌کرد بدون این‌که داعیه‌اش را داشته باشد در وادی تفسیر قرآن کریم گام نهد و به‌خصوص تفاسیر موضوعی متعددی را ارائه دهد، و علاوه بر آن جلسات عمومی تفسیر قرآن کریم که در نوار ضبط و از روی آن پیاده شده و تاکنون حدود دوازده جلد از آن به چاپ رسیده با توجه به دغدغه‌ای که نسبت به مسائل اجتماعی، اخلاقی و تربیتی داشته، در نوع خود بسیار جذاب و پربار است.

مطهری نیز هم‌چون دیگر مصلحان و آنان که قدم در راه هدایت اجتماع می‌گذارند در پیچ و خم‌های خطرناکی قرار گرفت؛ اما اطلاعات جامع و درست و درک منطقی و همه‌جانبه او از دین و اسلام و خصوصاً تکیه او بر منابع اصیل دینی به‌خصوص قرآن کریم، موجب شد تا از انحراف مصون بماند. نظری به مجاهدات فکری شهیدمطهری و جریان‌های عقیدتی به‌خصوص در دهه ۴۰ و ۵۰ در این جا خالی از لطف نیست. شهیدمطهری در دهه‌سی (یعنی قبل از شروع مبارزات انقلاب اسلامی) با نگارش مقدمه و پاورقی بر کتاب «اصول فلسفه و

روش رئالیسم» فهردان مبارزه با مادی‌گری و کمونیسم حزب توده به‌شمار می‌رود. در دهه‌چهل حضور شهیدمطهری در دانشگاه و محافل علمی نظیر انجمن اسلامی پزشکان، حسینیه ارشاد و... جدی‌تر می‌شود، مبارزات سیاسی پس از ۱۵ خرداد شکل جدی‌تری به خود می‌گیرد و ایشان با نگارش کتاب‌هایی هم‌چون «مسأله حجاب» و «نظام حقوق زن در اسلام» و ایراد سخنرانی‌هایی درباره «تحریفات در حادثه کربلا» و توجه ویژه به مسائل روز و پرداختن به آن‌ها به شکلی مستدل و منطقی به‌عنوان یک روحانی اصلاح‌طلب روشن‌فکر و امروزی شناخته می‌شود. او در عین حال، علیه شخص شاه سخنرانی و بازداشت هم شد و در زمان اوج رابطه دوستی میان شاه و رژیم صهیونیستی (در سال ۱۳۴۸) با سخنرانی مهیج خود درباره فلسطین به جمع‌آوری اعانه برای مردم مظلوم فلسطین پرداخت.

با شروع دهه ۵۰ یعنی زمانی که تجددگرایی‌های افراطی، افکار التقاطی و اندیشه‌های مارکسیستی در اثر پیدایش سازمان مجاهدین خلق در میان انقلابیون مسلمان مشاهده شد، شهیدمطهری بر تلاش‌های فکری و ایدئولوژیک خود در این زمینه‌ها می‌افزاید، با مجاهدین خلق مخالفت می‌ورزد و از شریعتی‌انقلاب می‌کند و مسجدالجواد را به‌جای حسینیه ارشاد که خودش پایه‌گذار آن بود برای سخنرانی‌ها و فعالیت‌های فرهنگی‌اش بر می‌گزیند. لذا موضع‌گیری‌ها و اهمیت‌هایی علیه او انجام می‌گیرد و دیگر آن محبوبیت گذشته را در میان محافل دانشگاهی ندارد و در این دوره بیشتر به‌عنوان حافظ سنت‌ها شناخته می‌شود؛ اما او در این دوره نیز دست از فعالیت‌های خود نکشید و بسیاری از آثار فکری و نیز قرآنی‌اش (از جمله جلسات شناخت قرآن کریم) در این دوره شکل گرفت. مطهری مفسر نبود یا لااقل داعیه‌اش را نداشت، لکن گستردگی مباحث

۸ □ مفسر مصلح؛ نگاهی به روش تفسیری شهید مطهری

قرآنی در آثارش و برداشت‌های دقیق و اصولی و درعین حال جدید و کاربردی از قرآن کریم بی‌شک او را در دایره مفسران مصلح عصر حاضر قرار می‌دهد. ضمن آن‌که همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد جلسات تفسیر هم داشت و بسیاری از سوره‌های قرآن کریم را تفسیر نمود. مطهری به دنبال حل مشکلات و پاسخ‌گویی به سؤالات عصر خود بود:

«این بنده از حدود بیست سال پیش که قلم به‌دست گرفته، مقاله یا کتاب نوشته‌ام تنها چیزی که در همه نوشته‌هایم آن را هدف قرار داده‌ام، حل مشکلات و پاسخ‌گویی به سؤالاتی است که در زمینه مسائل اسلامی در عصر ما مطرح است.»^۱ است.»^۱

علاوه بر آن شهید مطهری به مسائل ضروری نیز عنایت داشت و از این‌که تألیفات مؤلفان در راستای نیازهای جامعه نبود تأسف می‌خورد و به دنبال ارائه راه حل بود.^۲ در برابر فتنه‌انگیزی‌های معاندان درباره مسائل اسلامی هوشیار بود و به سرعت به پاسخ‌گویی و دفع حملات فکری می‌پرداخت:

«در سال ۱۳۴۵ تب تعویض قوانین مدنی در مورد حقوق خانواده در سطح مجلات خصوصاً مجلات زنانه سخت بالا گرفت و نظر به این‌که بسیاری از پیشنهادهایی که می‌شد، برضد نصوص مسلم قرآن کریم بود، طبعاً ناراحتی‌هایی در میان مسلمانان ایران به وجود می‌آورد... این بنده نامه‌ای به آن مجله (زن روز) نوشت و آمادگی خود را برای دفاع از قوانین مدنی تا آن حد که با فقه اسلام منطبق است اعلام کرد.»^۳

مطهری درباره تفاسیر التقاطی از قرآن کریم نیز عکس‌العمل نشان داد و توطئه دشمنان را خنثی کرد:

«مطالعه نوشته‌های به اصطلاح تفسیری که در یکی دو سال اخیر منتشر

شده و می‌شود، تردیدی باقی نمی‌گذارد که توطئه عظیمی در کار است...»^۴
از طرفی استاد مطهری، یک معلم بود و یک مربی. ضعف‌های اخلاقی را در جامعه و افراد آن می‌جست و به مسائل تربیتی بسیار اهمیت می‌داد، در این میان به بحث فطرت بسیار توجه داشت و از آن به «ام‌المعارف» یاد می‌کرد. شهید مطهری توانست گام‌های بلندی در راستای تبیین و ارائه مکتب تربیتی قرآن کریم بردارد، هر چند که آثار استاد در این عرصه پراکنده‌اند و هنوز به صورت نظام‌مند جمع‌آوری نشده است.

از مجموع آنچه بیان شد می‌توان چنین استنباط کرد که شهید مطهری یک مصلح اجتماعی است و طبیعی است که آنچه بیان می‌کند و عرضه می‌دارد بیش از همه حول مسائل اجتماع و نیازهای آن از جمله مسائل اخلاقی و تربیتی باشد و تفسیری هم که از لابه‌لای این آثار جمع‌آوری و بررسی شود، هم از لحاظ حجم و هم از لحاظ موضوع و شاخصه‌های رویکرد تفسیری به شخصیت و نوع فعالیت استاد نزدیک‌تر و شبیه‌تر باشد.

در این کتاب (هر چند به اجمال) به بررسی روش تفسیری شهید مطهری در آثارش می‌پردازیم. روش شهید مطهری در تفسیر قرآن کریم می‌تواند الگویی باشد برای مبلغان دینی، مفسران و معلمان قرآن کریم و عموم مربیان؛ و تحقیق در این باره گامی در جهت ترویج تدبر و فهم صحیح قرآن کریم در جامعه خواهد بود، إن شاء الله تعالی.

پی‌نوشتها

۱- مرتضی مطهری، عدل الهی (تهران: صدرا، ۱۳۷۶)، ص ۱۴

۲- همان، ص ۱۶

۱۰ □ مفسر مصلح: نگاهی به روش تفسیری شهید مطهری

۳- مرتضی مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، تهران: صدرا، چاپ اول (۱۳۵۷)، صص ۲۸-۲۶

۴- مرتضی مطهری، علل گرایش به مادی‌گری (تهران: صدرا، ۱۳۷۸)، ص ۳۱

فصل اول: تفسیر قرآن کریم در عصر جدید

شهید مطهری شخصیتی جامع دارد و همین جامعیت است که قشرهای مختلف و صاحبان آراء و افکار متفاوت را مجذوب او ساخته است. مطهری هم فیلسوف بود و هم متکلم، هم فقیه بود و هم مفسر قرآن کریم، مجاهد، اسلام شناس و خیلی چیزهای دیگر هم بود. اما اگر بخواهیم نقطه اشتراک همه این‌ها را بیان کنیم یا این که جامعیت شهید مطهری را در یک کلمه عرضه نمائیم باید بگوییم شهید مطهری یک مصلح بود؛ اصلاح‌گری مانند نخ تسبیح ابعاد گوناگون شخصیت شهید مطهری را به هم پیوند می‌دهد. لذا برای بررسی شخصیت تفسیری او نیز باید در جریان اصلاح‌گری اسلامی به روش کار استاد پرداخت. نکته قابل توجه دیگر درباره شهید مطهری، قرار گرفتن او در جریان مبارزات ملت برضد رژیم پهلوی و در جمع رهبران و نظریه‌پردازان انقلاب اسلامی است. مقابله با افکار الحادی مارکسیستی و نیز تئوری‌های لیبرالیستی، پاسخ به شبهات وارده در مورد مسائل اسلامی، مبارزه با بدعت‌ها و

خرافات، جلوگیری از انحرافات فکری و عقیدتی و بالاخره همکاری در طراحی و پاسخ به سؤالات مربوط به حکومت اسلامی، دغدغه اصلی شهیدمطهری را تشکیل می‌داد که تلاش می‌کرد در اکثر آن‌ها دیدگاه اسلام اصیل را با نگاه دقیق به منابع اصیل اسلامی خصوصاً قرآن کریم عرضه نماید.

بدین ترتیب، آنچه تحت عنوان مباحث تفسیری شهیدمطهری شناخته می‌شود عمدتاً در قالب موضوعات متعددی است که ایشان با توجه به نیازهای زمانه به طرح آن‌ها می‌پرداخت، لذا اکثر تفاسیر شهیدمطهری را تفاسیر موضوعی تشکیل می‌دهد؛ نظیر حجاب، خاتمیت، امامت و رهبری، جهاد و... که خود این مسأله یعنی توجه ویژه به تفسیر موضوعی نیز یکی از ویژگی‌های تفسیر در جریان اصلاح‌گری اسلامی به‌شمار می‌رود.

شهیدمطهری در تفسیر قرآن کریم از چند جنبه تحت تأثیر علامه طباطبایی بود که در این فصل به اجمال به آن خواهیم پرداخت. یکی خود شخصیت علامه طباطبایی بود که روی شهیدمطهری اثر فراوان گذاشته بود و شهیدمطهری به‌عنوان یک استاد احترام ویژه‌ای برای او قایل بود؛ دوم رویکرد اجتماعی در تفسیر بود که المیزان نیز در واقع پاسخی به نیازهای زمان بود و شهیدمطهری تحت تأثیر این رویکرد نیز قرار گرفت؛ و دیگر روش تفسیری علامه در المیزان که «قرآن کریم به قرآن کریم» بود و شهیدمطهری با الهام از علامه از این روش در تفسیرش بهره برده است. استاد محمدرضا حکیمی درباره انس شهیدمطهری با قرآن کریم و تفسیر و نیز تأثیر علامه طباطبایی روی ایشان می‌گوید:

«مرحوم مطهری با قرآن کریم انس بسیار داشت. از سخنرانی‌ها و گفتارهای تفسیری وی این امر به خوبی مشهود است. در فهم نکات تعبیری قرآن کریم نیز دستی داشت. این چگونگی از دقت و ممارست و ذوق نیرومند و مطالعه تفاسیر

حاصل می‌گردد. شاید در این مقام، تعالیم و تذکرات علامه سید محمدحسین طباطبایی (رحمة الله علیه) (صاحب تفسیرالمیزان) نیز در ایشان مؤثر بوده است»
در مجموع اگر بخواهیم نامی برای تفسیر شهیدمطهری بگذاریم شاید بهتر از همه تفسیر «اصلاحی» یا «اصلاح اجتماعی» باشد، لکن برای توضیح همان هم ناچار باید به سراغ شاخصه‌های تفسیر اجتماعی یا تربیتی برویم، چرا که رویکرد همه مصلحان اسلامی به مسائل اجتماعی و اخلاقی و تربیتی بوده است. در این فصل ابتدا به توضیح اجمالی این دو روش در تفسیر و ارتباط شهیدمطهری و تفسیرش با آن می‌پردازیم و سپس به تفسیر قرآن کریم در دوران معاصر و جریان بازگشت به قرآن کریم در ایران اشاره کرده، جایگاه شهیدمطهری را در این فرایند متذکر خواهیم شد و ادامه مباحث و ذکر مثال و بیان تفاسیر شهیدمطهری را به فصول بعدی کتاب موکول می‌کنیم.

۱-۱. روش‌های تفسیری

در طول تاریخ پرفراز و نشیب اسلامی، مذاهب، گرایش‌ها و جنبش‌های متعدد علمی و اجتماعی و... را در دنیای اسلام شاهد هستیم که هر یک با نگرش خاص خود به قرآن کریم نگرسته و برداشت خاصی از آن داشته‌اند. این مسأله موجب پدید آمدن روش‌ها و اسلوب‌های فراوان در تفسیر قرآن کریم شده است. برخی از مفسران تنها از نقطه نظر آثار و منقولات رسیده از معصومین (علیهم السلام) یا صحابی و تابعین، به فهم و درک آیات قرآن کریم پرداخته‌اند و برخی دیگر، آیات قرآن کریم را تنها از زاویه عقل یا دریافت‌های حسی و یا تحت تأثیر تخصص خود، تفسیر کرده‌اند. از لحاظ اسلوب و سبک بحث نیز گروهی به مباحث ادبی و بلاغی و فصاحت قرآن کریم پرداختند و گروهی دیگر، مباحث فلسفی و کلامی را در تفسیر خود جلوه بیشتر داده‌اند. عده‌ای دیگر به مسائل

عرفانی و اشارات معنوی و اخلاقی و سیر و سلوک روی آوردند و دسته‌ای نیز به آیات هستی‌شناسی و آسمان‌ها و زمین و پدیده‌های طبیعی و نظیر آن توجه بیشتری نمودند. در این میان توجه به نیازهای روز جامعه (خصوصاً در عصر جدید و در دوران نهضت بیداری امت اسلامی) برخی از تفاسیر مانند تفاسیر اجتماعی و تربیتی را رونقی فراوان بخشیده است که برای شناخت و بررسی رویکرد تفسیری شهید مطهری، آشنایی با این روش‌ها و گرایش‌ها لازم به نظر می‌رسد.

در ادامه به توضیح اجمالی درباره آن‌ها می‌پردازیم و ظهور و بروز هر یک از آن‌ها را نیز در تفسیر شهید مطهری متذکر می‌شویم:

۱-۱-۱. تفسیر اجتماعی

تفسیر اجتماعی را باید در واقع یکی از شاخه‌های تفسیر اجتهادی به حساب آورد که به اندیشه‌های اجتماعی قرآن کریم عنایت ویژه‌ای دارد و از منظر اجتماعی به مسائل انسان پرداخته، سعادت فرد را از سعادت جامعه جدا نمی‌بیند. تفسیر اجتماعی در وضع آشکار خود در دوران اخیر شکل گرفت؛ یعنی از اواسط قرن سیزدهم که بسیاری از مصلحان اجتماعی، ناپسامانی و عقب‌ماندگی مسلمانان را مطرح کردند و دعوت بازگشت به قرآن کریم را پی گرفتند. مفسران بزرگی چون شیخ محمد عبده صاحب تفسیر «المنار»، محمد مصطفی المراغی، سید قطب، علامه طباطبایی و... با نگرش به زندگی انسان معاصر و نیازهای جامعه کنونی، به تفسیر قرآن کریم پرداختند و برای مشکلات جامعه از قرآن کریم راه حل ارائه دادند.

بنابراین، صبغه اجتماعی در تفسیر با توجه به دگرگونی‌ها و نیازهای اجتماعی شکل گرفت و لذا مسائل و موضوعات مهم در اجتماع نظیر: عزت و

تفسیر قرآن کریم در عصر جدید □ ۱۵

کرامت انسانی، آزادی، عدالت اجتماعی، جایگان زن در جامعه، حق و باطل و... معمولاً در این تفاسیر زیاد به چشم می‌خورد.

مفسر اجتماعی، موضعی متعهدانه و مسئولانه در برابر جامعه اسلامی دارد و اطلاعات بیرونی و آگاهی از نیازهای جوامع مسلمانان، در شکل تحلیل و ارائه تفسیرش تأثیر به‌سزایی دارد.

۲-۱-۱. تفسیر ارشادی، تربیتی

از جمله روش‌های تفسیری (یا شاید بهتر باشد بگوییم گرایش‌ها یا الوان تفسیر)، روش ارشادی، تربیتی است که از جذابیت و زیبایی خاصی برخوردار است. صاحبان این روش تنها به دنبال آن نیستند که واژه‌ها را معنا کنند و لغات مشکل را توضیح دهند یا بگویند این آیه در کجا و برای چه نازل شده است؛ انگیزه و هدف اصلی که آن‌ها دنبال می‌کنند این است که نشان دهند از آیه مورد تفسیر چه چیزی را باید نتیجه‌گیری کنند، پیام و دعوت قرآن‌کریم در آن آیه چیست و مخاطب به دنبال چه چیزی باید باشد؟ زیرا قرآن‌کریم، کتاب هدایت، شفا و نور است؛ لذا این مفسران، حتی در مباحث اعتقادی، قصه‌های تاریخی و احکام عملی نیز به دنبال نکات تربیتی هستند.^۲

این روش از دیرباز مورد توجه مفسران بوده و در قدیم‌الایام، عمدتاً در تفاسیر عرفانی به‌کار می‌رفته است. روش تفسیر ارشادی، تربیتی در عصر حاضر، جلوه دیگری به خود گرفته و مناسب با زمان و طبع مردم این عصر نگارش یافته و جنبه تحلیلی به خود گرفته است. از این دسته می‌توان تفسیر «پرتوی از قرآن‌کریم» مرحوم آقای طالقانی (۱۳۵۸م) یا «تفسیر نور» حجة الاسلام محسن قرائتی را نام برد.

۱۶ □ مفسر مصلح؛ نگاهی به روش تفسیری شهید مطهری

۳-۱-۱. رویکرد اجتماعی- تربیتی در تفسیر شهید مطهری

شهید مطهری هم به مسائل اجتماعی بسیار پرداخته و هم در خصوص مسائل تربیتی مطالب متعددی را ارائه داده است، او از یک طرف مصلح اجتماعی است و دغدغه مشکلات و مسائل اجتماع مسلمانان را دارد و از طرف دیگر یک معلم است و تعلیم و تربیت جزئی از زندگی او را تشکیل می‌دهد.

در واقع جدا نمودن مباحث اجتماعی از مسائل تربیتی آن‌هم در آثار شهید مطهری که نگاهی جامع و همه جانبه به مسائل دارد کاری دشوار است. نگاهی گذرا به مطالبی که استاد مطهری مطرح نموده گویای همین مطلب است. شهید مطهری در تفسیر خود هم به مسائل اجتماعی گریز می‌زند و هم ناهنجاری‌های اخلاقی و تربیتی را متذکر می‌شود. ما در ادامه به برخی از مسائل اجتماعی و اخلاقی و تربیتی که شهید مطهری به آن پرداخته اشاره خواهیم کرد.

لازم به ذکر است که تلفیق رویکرد اجتماعی و تربیتی در تفسیر، تنها برای نزدیک ساختن ذهن به آنچه که شهید مطهری به‌طور عمده و محوری در تفسیر به آن توجه داشته بوده و تطبیق دقیق شاخصه‌های تفسیر اجتماعی و یا تربیتی بر تفسیر شهید مطهری مد نظر نبوده است.

۲-۱. تفسیر قرآن کریم در دوره معاصر

مصلحان مسلمان از اواخر قرن سیزدهم هجری قمری با مشاهده وضع نابسامان جوامع اسلامی و در پی هجوم شبهات وارد به ایده و آئین اسلام (که عمدتاً از طریق فارغ‌التحصیلان از فرنگ برگشته ایجاد شده بود) به تکاپو افتادند تا ضمن پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و شبهات مطروحه، عمل به دستورات اسلام اصیل را، تنها راه نجات جوامع اسلامی از وضع کنونی خود قلمداد کنند، که در این راه شعار «بازگشت به قرآن کریم» را در سرلوحه کار خویش قرار دادند. لذا تفسیر قرآن کریم

در این دوره (هم از لحاظ کمیت و هم از لحاظ کیفیت) دست‌خوش تحولی عظیم گشت که در این‌جا به برخی از ویژگی‌های تفسیر این دوره می‌پردازیم.

۱-۲-۱. ویژگی‌های تفسیر در این دوره

الف. پرداختن به مباحث اجتماعی و سیاسی

پرداختن به مباحث اجتماعی و سیاسی در تفسیر این دوره امری نوظهور است که قبل از آن هیچ‌گاه با این شدت و وسعت جلوه‌گر نشده بود.

مقوله‌هایی چون «آزادی»، «عدالت اجتماعی»، «فلسفه تاریخ»، «مبارزه با استبداد و ستم‌گری»، «مبارزه با فقر و فساد اجتماعی» و... موضوعاتی بودند که در این دوره به تفسیر راه یافتند؛ در حالی که این مفاهیم، مسائلی نبودند که در اندیشه مفسران گذشته مطرح و ذیل آیات متناسب، مورد بررسی قرار گرفته باشند. در حقیقت گرایش عمده تفسیر، تا قبل از این دوره توجه به آخرت‌گرایی مفسران است که تا دو قرن دوازدهم و سیزدهم بر ذهنیت مفسران حاکم بود، ولی تحولات این دو قرن و نهضت اصلاحی و بازگشت به قرآن کریم موجب طرح مقولات گوناگونی شد که از آن جمله این موضوعات بود.^۳ هم‌چنین فهم دقیق مسائل مربوط به زن (تعدد زوجات، طلاق، حجاب و...) جایگاه خاصی را در این عرصه به خود اختصاص داده است.^۴

ب. توجه ویژه به برخی مباحث قرآنی

از دیگر ویژگی‌های تفسیر در این دوره می‌توان به اوج گرفتن بحث درباره برخی موضوعات قرآنی نظیر «وحی»، «ملائکه»، «جن»، «شیطان»، «معجزات» و نیز برخی موضوعات متعلق به علوم قرآنی هم‌چون «اعجاز قرآن کریم» و «داستان‌های قرآن کریم» اشاره کرد.^۵

ج. تطبیق نظریات علمی با آیات قرآن کریم
تلاش برای تطبیق نظریه‌های علمی با آیات قرآن کریم نیز از ویژگی‌های تفسیر در این دوره است و نمونه بارز آن تفسیر الجواهر طنطاوی است که البته مخالفت‌هایی را نیز برانگیخته است، چرا که غالباً در این نوع تفاسیر سعی می‌شود تا نظریه‌های علمی بر آیات قرآن کریم حاکم گردد.

د. گرایش به جنبه ادبی قرآن کریم
عصر جدید شاهد گرایش به جنبه ادبی قرآن کریم نیز بوده است. این رویکرد اگرچه در ابتدا توسط منادیان روش اجتماعی در تفسیر نظیر شیخ محمد عبده، محمدرشید رضا و محمد مصطفی المراغی مطرح شد، لکن این «امین الخولی» بود که بیش از همه معتقد بود که باید با استفاده از قواعد ادبی تفسیر نوشت.^۶

ه. گسترش تفسیر موضوعی
توجه گسترده به تفسیر موضوعی نیز در این دوره پدید آمد. در این روش مفسر، آیات مختلف درباره یک موضوع را در کنار یکدیگر قرار می‌دهد و با جمع‌بندی و تحلیل آن‌ها دیدگاه قرآن کریم را درباره آن تبیین می‌کند. در واقع برای پاسخ‌گویی به نیازهای انسان معاصر در مسائل گوناگون اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و... چاره‌ای جز پرسش از قرآن کریم و یافتن پاسخ از آن نداریم و این معنا جز با تفسیر موضوعی حاصل نمی‌گردد.^۷

و. نگرش اجتماعی در مسائل اخلاقی
نگرش اجتماعی در مسائل اخلاقی و اهتمام به اصلاح جامعه و مبارزه با مفاسد اخلاقی نیز از دیگر ویژگی‌های تفسیر این دوره به شمار می‌رود.^۸ البته طرح مسائل اخلاقی و تربیتی و هدایتی در گذشته احیاناً در تفاسیر عرفانی انجام

می‌گرفته که مفسران بیشتر، جنبه‌های عرفان عملی و تهذیب نفس را در آن مطرح می‌ساختند، اما نگرش اجتماعی در مسائل اخلاقی از ویژگی‌های تفسیر در عصر جدید محسوب می‌گردد.

ز. حرکت آفرینی در جامعه

از جمله نکات مهم تفسیر این دوره، نگرش به اسلام به عنوان یک بینش کامل و جامع و سازنده است که از آن روح حرکت و مسئولیت و ایجاد هویت مستقل برمی‌خیزد. در این بینش، مفسر به دنبال ارائه یک ایدئولوژی است که حرکت و سازندگی در جامعه ایجاد کند و مبارزه دائمی در برابر استعمار و استبداد را فراهم سازد^۹ که با توجه به وضع استعمارزده بسیاری از جوامع اسلامی، این مسأله، نیازی بود که مصلحان و مفسران این دوره می‌خواستند تا در لابه‌لای تفسیر، این دعوت را با دمیدن روح سلحشوری و غیرت و احساس غرور به گذشته و انتقاد از وضع موجود مسلمانان تعقیب کنند.

ح. محوریت برخی آیات در تفسیر

توجه ویژه و محوریت برخی موضوعات قرآنی و آیات حرکت آفرین نیز از ویژگی‌های مفسران این دوره است. استدلال به آیاتی که قرآن کریم هدف و رسالت خود را قسط و عدل و اصلاح طلبی و تلاش و مبارزه بیان می‌کند و موضوعاتی نظیر آن در تفسیر این دوره امری متداول است و آیاتی هم‌چون «ولاتهنوا و لاتحزنوا و انتم الاعلون» (آل عمران / ۱۳۹) (سستی مکنید و غمگین مشوید که شما برترید)، «ان مع العسر یسراً» (انشراح / ۶) (آری، با دشواری، آسانی است)، «ولاتیاسوا من روح الله» (یوسف / ۸۷) (واز رحمت خدا نومید مباشید)، «ان الله لایغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم» (رعد / ۱۱) (در

۲۰ □ مفسر مصلح؛ نگاهی به روش تفسیری شهید مطهری

حقیقت، خدا حال قومی را تغییر نمی‌دهد، تا آنان حال خود را تغییر دهند) و نظیر این آیات از توجه و محوریت ویژه در نگاه مفسران این دوره برخوردار است.

۲-۲-۱. اهداف تفسیر در این دوره

از مجموع آنچه درباره ویژگی‌های تفسیر در دوره معاصر بیان شد می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که تفسیر قرآن کریم در این دوره بیشتر در خدمت جریان اصلاح‌گری بوده تا در خدمت جریان تفسیری مصطلح که از قدیم مرسوم بود؛ ولذا اهداف تفسیر در این دوره نیز در واقع همان اهداف نهضت بیدارسازی، نوسازی و تکامل جهان اسلام بوده^{۱۰} که در زیر به آن‌ها اشاره می‌شود:

الف. ایجاد وحدت

مهم‌ترین مشکل جوامع اسلامی در دوران معاصر، تفرقه و اختلافات مذهبی بود که در واقع ضربه اصلی نیز از همین ناحیه بر پیکره جوامع اسلامی وارد می‌شد. لذا سعی عمده مصلحان اسلامی حول محور وحدت و ایجاد هم‌دلی و وفاق بین مذاهب گوناگون اسلامی انجام می‌گرفت؛ سیدجمال‌الدین اسدآبادی، سلسله‌جنبان بیدارگری اسلامی در عصر حاضر، «وحدت» را مهم‌ترین شاخصه جامعه اسلامی معرفی می‌کند:

«می‌توان گفت که آرمان اصلاحی سید و جامعه ایده‌آلش، در جامعه اسلامی خلاصه می‌شود که وحدت بر سراسر آن حاکم باشد؛ اختلافات نژادی، زبانی، منطقه‌ای، فرقه‌ای، بر اخوت اسلامی آن‌ها فایق نگردد و وحدت معنوی و فرهنگی و ایدئولوژیکی آن‌ها را آسیب نرساند.»^{۱۱}

سیدجمال اگرچه خود تفسیر مستقلی ارائه نکرد ولی در مقالات خود در

تفسیر قرآن کریم در عصر جدید □ ۲۱

مجله عروه‌الوثقی به‌طور گسترده و نیز در سخنرانی‌ها بارها و بارها قرآن کریم را تکیه‌گاه کلام و گفتار خویش قرار داده است.^{۱۲} همین توجه سیدجمال به قرآن کریم و تأثیری که بر عبده گذاشت را در واقع می‌توان آغاز جریان تفسیری جدید در عصر حاضر به حساب آورد، چرا که عبده نیز در واقع بنیان‌گذار حرکتی شد که تفسیر عصر جدید را رقم زد و به دنبال او بود که محمدرشید رضا، محمدمصطفی المراغی، سیدقطب، محمد عزه دروزه و... تفسیر عصر نهضت بیدارسازی را رونق بخشیدند.^{۱۳} تفسیری که عمدتاً حول اصلاح امور اجتماعی و اخلاقی بود و «وحدت»، یکی از شاخصه‌های اصلی و محوری در آن به حساب می‌آید.

ب. خرافه‌زدایی

دومین رویکرد عمده در تفاسیر این دوره، مسأله دور ریختن خرافات و پیرایه‌ها و ساز و برگ‌هایی است که در طول تاریخ به اسلام بسته شده بود و شعار بازگشت به اسلام نخستین (که عمدتاً از آن به بازگشت به قرآن کریم تعبیر می‌شد) موجب شد تا این تفاسیر از بیان اسرائیلیات پرهیزنموده، تفسیری عقلانی از قرآن کریم ارائه دهند.^{۱۴}

البته خرافه‌زدایی تنها به اجتناب از بیان اسرائیلیات خلاصه نمی‌شد و مفسران این دوره از بیان هرآنچه که خرافی تلقی می‌شد پرهیز می‌نمودند.

ج. هماهنگ ساختن آموزه‌های اسلام با یافته‌های جدید علمی

از جمله اهداف مهم تفسیر در این دوره برطرف نمودن شبهه عدم هماهنگی آموزه‌های اسلامی با دستاوردهای جدید علمی بوده است؛ چرا که بزرگ‌ترین دستاورد غرب پس از رنسانس تحول علمی بود که چشم بسیاری را خیره

ساخته بود و هماهنگی و تطبیق آموزه‌های اسلامی با دستاوردهای دانش بشری، هم به شبهات پاسخ می‌گفت و هم ارزش و اهمیت دستورات و آموزه‌های دینی را نزد پیروان آن بالا می‌برد. اشاره به مواردی چون نحوه تلقیح گیاهان توسط باد، نحوه خلقت زمین و آسمان، مسأله جاذبه زمین، و بسیاری مسائل دیگر که در آیات قرآن کریم اشاراتی درباره آن‌ها شده است و توضیح و تطبیق آن با یافته‌های علم جدید از این رویکرد و هدف مفسران این دوره به حساب می‌آید:

«عبد و رشید رضا ضمن تفسیر آیات ۳۰ سوره انبیاء، ۷ سوره هود، ۱۶۴ سوره بقره و ۵۳ سوره اعراف، چگونگی خلقت آسمان‌ها و زمین را بر مبنای نظریات جدید علم نجوم به تفصیل توضیح می‌دهند و می‌کوشند تا نشان دهند مطالب قرآن کریم درباره این موضوع با نظریات علم تکوین، حیات و هیات کمال هماهنگی را دارد.»^{۱۵}

۳-۱. بازگشت به قرآن کریم در ایران

۱-۳-۱. آغاز حرکت

شروع دوران اصلاح‌گری در ایران نسبت به سایر بلاد اسلامی با تأخیر سی، چهل ساله همراه بود و این حاصل چندین عامل بود: یکی این‌که ایرانیان فارسی زبان بودند و دیگر این‌که شیعه بودند^{۱۶} (البته شیعه بودن از جهتی نقطه قوت آنان بود که بدان اشاره خواهد شد)؛ این دو عامل علاوه بر فضای اختلافات مذهبی و قومی که در همه جای منطقه اسلامی وجود داشت موجب شد تا جریان اصلاح‌گری در ایران دیرتر سامان یابد. البته عوامل دیگری هم در این مسأله دخالت داشت؛ مثلاً به لحاظ علمی، ایرانیان که در قرون اولیه اسلامی سردمدار علم و دانش بودند در قرون اخیر دنباله‌رو مصر و دانشمندان آن شده بودند:

تفسیر قرآن کریم در عصر جدید □ ۲۳

«در قرون اولیه اسلامی روحانیون ایران از لحاظ روشن‌بینی و تألیفات متنوع در رشته‌های مختلف و ابتکار در علوم از مصری‌ها عقب نبودند، بلکه به اعتراف خود مصری‌ها، ایران در همه علوم اسلامی پیش‌قدم بودند، امروزه کار بعکس است، روشن‌فکران مسلمان ایران چشمشان به دانشمندان مصر است که در مسائل اجتماعی اسلامی تألیف جدیدی بیرون دهند.»^{۱۷}

اما در درون جامعه ایران که جامعه‌ای شیعی بود به خاطر اصل اجتهاد که اصلی مترقی بود و گرایش به عقل که در اجتهاد شیعی وجود دارد، روحیه انقلابی همواره در طول تاریخ در میان شیعه بیشتر از اهل سنت بود و علمای شیعه همیشه در اجتماع حضور داشته در برابر جباران ایستادگی کرده‌اند، و لذا اصولاً نیازی به برخی از اصلاح‌گری‌ها در ایران نبوده است.

۲-۳-۱. نقطه اشتراک

جدای از همه تفاوت‌هایی که به ظاهر میان ایران با سایر مهدهای اصلاح‌گری معاصر بوده، آنچه که نقطه مشترک اساسی در جریان نهضت بیدارسازی اسلامی ایران با آن‌ها محسوب می‌شود مسأله برخورد با غرب و واکنش نشان دادن در برابر ارزش‌ها و معیارها و نگرش‌های فرهنگ غربی بود.^{۱۸} این مسأله نه فقط در حوزه‌های علمیه (که میراث دار سیستم سنتی آموزش دینی شیعه بود) بلکه در میان دانشگاهیان نیز تقریباً از همان بدو تأسیس دانشگاه در ایران جایگاه خاص خود را پیدا کرد:

«در واقع از سال ۱۳۲۰ به بعد و همزمان با تأسیس دانشگاه در ایران شاهد یک نوع تأمل مجدد در بین ایرانی‌ها هستیم که نباید راجع به فرهنگ غربی مانند تقی زاده‌ها و دیگر روشن‌فکران قبل از زمان جنگ بیندیشیم که تصور